



Shiraz University
RICEST
ISC

ISSN: 2008-7926

Journal of

Legal Studies

Scientific

Vol. 17, Issue 3, Autumn 2025

JLS

Journal of Legal Studies

Journal Homepage: <https://jls.shirazu.ac.ir/>
doi: <https://10.22099/JLS.2024.51592.5234>



Research Article

Legal Rereading of Public Interest: The Outcome of Judicial Review on Activism in the Public Sphere

Samaneh Rahmatifar

Associate Prof. Department of Law, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Article history:

Received: 02-11-2024

Accepted: 24-12-2024

Abstract

Introduction: Public interest holds little weight in legal doctrine and lacks a foundational role in most constitutions. While some, like Germany, Spain, and Italy, mention it in specific articles, others—such as the Philippines and Portugal—use the term frequently but without depth or consistency.

Public law is intrinsically linked to the concept of public interest, as the provision of public services within the framework of public interest forms the foundation for establishing an administrative system. The administration acts as the executor, defender, and guardian of the public interest, effectively advocating for it.

The primary objective of this research is to develop a framework for public interest that is derived from and compatible with public law. The secondary objectives include providing a legal definition of public interest that distinguishes it from related concepts; specifying the components of public interest; and developing a repeatable model for identifying instances of public interest in various contexts.

Please cite this article as:

Rahmatifar, S (2025). Legal Rereading of Public Interest: The Outcome of Judicial Review on Activism in the Public Sphere. *Journal of Legal Studies*, 17(3), 321-356.
doi: <https://10.22099/JLS.2024.51592.5234>

* Corresponding author:

E-mail address: s.rahmatifar@iau.ir

Methods: The research method is descriptive-analytical. Initially, existing theories on public interest are critically examined and explained. Based on the principles and methods of public law, a new framework is created to enable an accurate assessment of compliance or violation of public interest in specific cases within the legal system.

Results: The results of a critical analysis of existing theories on public interest can be summarized as follows:

- **Served by Power:** All theories consider public interest as aligned with and served by power. This alignment manifests in several ways: either by giving primacy to the will of the government, ignoring the lack of infrastructure for the participation of marginalized individuals, or deeming the significant lost interest of a minority negligible.
- **Based on Private Interest:** Theories predominantly view public interest as a superstructure built on the foundation of private interest. Consequently, public interest often serves as a guise for justifying and pursuing personal interests, despite appearing benevolent and legitimate. This is problematic, as public and private interests are fundamentally different, with the former belonging to the public sphere and the latter to the private sphere.
- **Economic-oriented:** Existing theories focus on economy and reduce public interest to the level of material enjoyment for all or how public wealth is redistributed, essentially equating it with social need. Consequently, issues such as freedom, public participation, and judicial independence are presumed to be irrelevant to the concept of public interest.
- **Project-oriented:** One factor undermining public interest literature is its use for justifying projects, portraying public interest as their origin and legitimizing them. These projects, undertaken by the private sector as contractors for the public or government sector, reveal a fundamental issue: the private sector inherently seeks to secure private interests. Consequently, public interest is often used to justify the maximization of private benefit under the guise of serving the public. Thus, the justification for private benefit lies not in the project proposal itself but in the legal framework enabling its implementation, particularly the budget act, which requires prior authorization for any project to proceed.

Conclusions: From the perspective of public law, the public interest is the consensus of participants in the public sphere on an issue, such that a united voice is heard. This consensus is consolidated in the form of parliamentary

law, mediated by political parties, and supervised by the judiciary over parliament to ensure respect for children, minorities, and marginalized people, as well as the will of the public. This process particularly utilizes general principles of law.

The solution to the claim of a violation of the public interest by parliament is to establish a court with the competence to invalidate laws. In this court, the judge rules based on general principles governing public interest, rather than on statutory laws or even the constitution. The process of identifying new general principles constitutes a form of constitutionalization of law. Additionally, a large jury can serve alongside the court as advisors, simulating the public sphere to facilitate better judgment.

Keywords: General Principles of Law, Judicial Review, Public Interest, Public Law, Public Participation, Public Sphere.



مقاله پژوهشی

بازخوانی حقوقی منفعت عمومی: برون داد نظارت قضایی بر کنش‌گری در سپهر

عمومی

سمانه رحمتی‌فر

دانشیار، گروه حقوق، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

چکیده

مقدمه: در دکتترین حقوقی جایگاهی برای منفعت عمومی دیده نشده است. در قوانین اساسی نیز منفعت عمومی جایگاه مبنایی ندارد؛ برای مثال ماده چهارده قانون اساسی آلمان مصادره اموال را منوط به رعایت منفعت عمومی می‌کند؛ ماده هفتاد و شش قانون اساسی اسپانیا به مجلسین اجازه داده در مورد هر موضوع مرتبط با منفعت عمومی، کمیته تحقیق مشترک احداث کنند؛ ماده هشتاد و دو قانون اساسی ایتالیا برای مجلسین صلاحیت تحقیق در مورد موضوع‌های منفعت عمومی ایجاد کرده است. قوانین اساسی بعضی کشورها مانند فیلیپین و پرتغال در موارد متعدد و به صورت پیش‌پاافتاده از این اصطلاح استفاده کرده‌اند. حقوق عمومی در این حد به مقوله منفعت عمومی ورود می‌کند که ارائه خدمات عمومی در چارچوب منفعت عمومی، مبنای ایجاد نظام اداری است؛ اداره مجری، مدافع و نگهبان منفعت عمومی یا دایه‌دار منفعت عمومی تلقی می‌شود.

استناد به این مقاله:

رحمتی‌فر، سمانه (۱۴۰۴). بازخوانی حقوقی منفعت عمومی: برون داد نظارت قضایی بر کنش‌گری در سپهر عمومی. مجله مطالعات حقوقی. شماره ۱۷. (۳). ۳۲۱-۳۵۶.

E-mail address: s.rahmatifar@iaui.ac.ir

* نویسنده مسئول:

هدف اصلی پژوهش ارائه چارچوبی برخاسته از و سازگار با حقوق عمومی از منفعت عمومی است؛ هدف‌های فرعی عبارتند از ارائه تعریفی حقوقی از منفعت عمومی و مقدمتاً مفاهیم هم‌مرز با آن به‌نحوی که قابل تمییز از یکدیگر باشند؛ مشخص کردن مؤلفه‌های منفعت عمومی و ارائه الگویی تکرارپذیر برای شناسایی مصادیق منفعت عمومی در اوضاع و احوال متفاوت.

روش: روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است؛ به این ترتیب که ابتدا نظریه‌های موجود درباره منفعت عمومی مورد خوانش انتقادی قرار می‌گیرد و با مبنا قرار دادن اصول و روش‌های حقوق عمومی، چارچوبی نو ساخته می‌شود، به‌نحوی که بتوان ارزیابی دقیق در مورد رعایت یا نقض در نظام قوانین به دست داد.

یافته‌ها: نتیجه خوانش انتقادی نظریه‌های موجود درباره منفعت عمومی را می‌توان به ترتیب زیر خلاصه کرد:

- در خدمت قدرت بودگی: همه دیدگاه‌ها منفعت عمومی را هم‌راستا و در خدمت قدرت می‌بینند؛ به این ترتیب که یا برای اراده حکومت قائل به اصالت هستند؛ یا کسری زیرساخت برای مشارکت افراد حاشیه‌ای را نادیده می‌گیرند؛ یا نفع بزرگ فوت شده اقلیت کوچک را قابل چشم‌پوشی تلقی می‌کند.
- ابتدا بر منفعت خصوصی: نظریه‌ها عمدتاً منفعت عمومی را رو بنایی بر زیربنای منفعت خصوصی می‌بینند. در نتیجه منفعت عمومی به سرپوشی برای توجیه و پیگیری منفعت شخصی منتها با ظاهری دیگر/خیرخواهانه و مشروع تبدیل می‌شود. درحالی‌که اساساً جنس این دو تفاوت دارد. جای پیگیری یکی سپهر خصوصی و دیگری سپهر عمومی است.
- اقتصادمحوری: دیدگاه‌های موجود نگاه معطوف به اقتصاد دارند و منفعت عمومی را به سطحی از برخورداری مادی همگان یا چگونگی باز/توزیع ثروت عمومی یا به تعبیر دیگر به نیاز اجتماعی تقلیل می‌دهند. از این رو پیوند موضوع‌هایی چون آزادی، مشارکت عمومی و استقلال قضایی با منفعت عمومی می‌گسلد.
- پروژه-محوری: یکی از عوامل آسیب‌زننده به ادبیات منفعت عمومی، بهره‌گیری از آن برای طرح‌های توجیهی است، به‌نحوی که گویا خاستگاه منفعت عمومی مدیریت پروژه و کارکردش مشروعیت‌بخشی به آن است؛ پروژه‌هایی که بخش خصوصی به‌عنوان پیمانکار برای بخش عمومی یا دولتی به‌عنوان کارفرما انجام می‌دهد. بدیهی است که بخش خصوصی همواره به دنبال

تأمین منفعت خصوصی است؛ در نتیجه نفع خصوصی حداکثری خود را به نام عموم توجیه می‌کند. از این رو محل توجیه منفعت خصوصی نه طرح که قانونی است که زمینه انجام آن را فراهم کرده است؛ خصوصاً قانون بودجه که بدون مجوز اولی آن انجام هیچ طرحی ممکن نمی‌شود.

نتیجه‌گیری: منفعت عمومی از منظر حقوق عمومی، اجماع مشارکت‌کنندگان در سپهر عمومی بر سر موضوعی، در حد به گوش رسیدن صدای واحد، تثبیت این اجماع در قالب قانون پارلمانی، با واسطه‌گری احزاب و نظارت دستگاه قضایی بر پارلمان برای تضمین رعایت کودکان، اقلیت‌ها و افراد حاشیه‌ای و البته اراده عموم، با بهره‌گیری ویژه از اصول کلی حقوق است.

راهکار رسیدگی به ادعای نقض منفعت عمومی توسط پارلمان، تشکیل دادگاهی با صلاحیت ابطال قوانین است. در این دادگاه قاضی با استناد به اصول کلی حاکم بر منفعت عمومی حکم می‌دهد، نه قوانین و نه حتی قانون اساسی. فرایند شناسایی اصول کلی جدید چیزی از جنس اساسی‌سازی حقوق است. به علاوه هیأت منصفه‌ای پرشمار می‌تواند به صورت مشاور در کنار دادگاه قرار گیرد تا سپهر عمومی را برای قضاوت بهتر شبیه‌سازی کند.

واژگان کلیدی: اصول کلی حقوق، حقوق عمومی، سپهر عمومی، مشارکت عمومی، منفعت عمومی، نظارت قضایی.

سرآغاز

در دکتترین حقوقی جایگاهی برای منفعت عمومی دیده نشده است. به عنوان شاهد مثال در دیکشنری حقوق لانگمن، دیکشنری حقوقی آکسفورد، ترمینولوژی حقوق جعفری لنگرودی و فرهنگ نظریه حقوقی بیکس مدخل منفعت عمومی وجود ندارد. در بررسی سیر تطور مفاهیم بنیادین حقوقی در غرب جایی نیافته است؛ به علاوه در کتاب‌های پایه حقوق اداری، مانند حقوق اداری نوشته طباطبایی مؤتمنی، حقوق اداری نوشته امامی و استوار سنگری و حقوق اداری نوشته عباسی لاهیجی سرفصلی به منفعت عمومی اختصاص نیافته است. در قوانین اساسی نیز به رغم وجود اشاره‌هایی، منفعت عمومی جایگاه مبنایی ندارد؛ برای مثال، ماده چهارده قانون اساسی آلمان مصادره اموال را منوط به رعایت منفعت عمومی می‌کند؛ ماده هفتاد و شش قانون اساسی اسپانیا به مجلسین اجازه داده است در مورد هر موضوع مرتبط با منفعت عمومی، کمیته تحقیق مشترک احداث کنند؛ ماده هشتاد و دو قانون اساسی ایتالیا برای مجلسین صلاحیت تحقیق در مورد موضوع‌های منفعت عمومی ایجاد کرده است. قوانین اساسی بعضی کشورها مانند فیلیپین و پرتغال در موارد متعدد و به صورت پیش پا افتاده از این اصطلاح استفاده کرده‌اند. حقوق عمومی در این حد به مقوله منفعت عمومی می‌پردازد که ارائه خدمات عمومی در چارچوب منفعت عمومی، مبنای ایجاد نظام اداری است؛ اداره مجری، مدافع و نگهبان منفعت عمومی است (Tweed and Wallace, 2020: 64) یا دایه‌دار آن تلقی می‌شود (کمالی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۸۶). درواقع، منفعت عمومی را به عنوان امری بدیهی می‌پذیرد. این نگاه وام‌گرفته از درک غالب از منفعت عمومی در علوم مرتبط با مدیریت است که علوم اداری را خاستگاه و اداره را متولی و مرجع تعیین آن می‌انگارند (Kaganovska et al, 2022: 1, 2).

مفهوم منفعت عمومی به رغم همه تلاش‌هایی که در علوم چون حسابداری برای تبیین آن صورت گرفته، مبهم مانده است. ابهامی که در حقوق می‌تواند نتایج غیرقابل قبولی در پی داشته باشد؛ برای مثال، وقتی این گزاره که نقض حقوق بشر می‌تواند

مصادیق منفعت عمومی باشد، جای بحث می‌یابد (Boot, 2022). این وضعیت نشان‌گر ظرفیت بالای منفعت عمومی برای اقتضایی شدن و سیال‌بودگی آن است. نتیجه اولی اقتضایی شدن، امکان عدم تأمین منفعت عمومی به واسطه پنهان‌سازی منافع خصوصی زیر پوشش آن به ابتکار کارکنان اداره و نتیجه نهایی‌اش نقض استقلال اداره به دلیل تلاش صاحبان قدرت برای تأثیرگذاری بر تصمیم اداره است. شناسایی چنین مقوله مبهمی در خلال انجام اعمال اداری، یعنی وظایف روزمره کارکنان اداره، چالش مضاعف دارد.

هدف اصلی پژوهش ارائه چارچوبی برخاسته از/سازگار با حقوق عمومی از منفعت عمومی است؛ هدف‌های فرعی عبارت‌اند از ارائه تعریفی حقوقی از منفعت عمومی و مقدمه‌وار مفاهیم هم‌مرز با آن به نحوی که قابل تمیز از یکدیگر باشند؛ مشخص کردن مؤلفه‌های منفعت عمومی و ارائه الگویی تکرارپذیر برای شناسایی مصادیق منفعت عمومی در اوضاع و احوال متفاوت. پرسش اصلی این است که چه خوانشی از منفعت عمومی آن را به مفهومی قابل استناد در حقوق تبدیل می‌کند؟ فرضیه پژوهش این است که طرح منفعت عمومی به‌عنوان عارضه‌ای بر منفعت خصوصی^۱ موجب بدفهمی آن در ادبیات حقوقی شده است؛ لازم است که منفعت عمومی به‌مثابه یک مفهوم اصیل، مورد توجه و استفاده نظریه حقوقی قرار گیرد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است؛ به این ترتیب که ابتدا نظریه‌های موجود درباره منفعت عمومی مورد خوانش انتقادی قرار می‌گیرد و با مبنا قرار دادن اصول و روش‌های حقوق عمومی، چارچوبی نو ساخته می‌شود، به نحوی که بتوان ارزیابی دقیق در مورد رعایت یا نقض نقض، در نظام قوانین، به دست داد.

۱. اشاره به اینکه یکی از دیدگاه‌های مقبول در زمینه منفعت عمومی، بیشترین سود برای بیشترین تعداد مردم است؛ به عبارتی منفعت عمومی را نمی‌توان شناسایی کرد، مگر پس از شناسایی منافع خصوصی.

۱. چارچوب نظری

برای ورود به بحث ابتدا مفاهیم شبیه منفعت عمومی تبیین می‌شوند تا از التقاط نظری جلوگیری شود و سپس نظریه‌های منفعت عمومی مرور انتقادی می‌شود تا ضمن روشن شدن وضع موجود، چرایی لزوم طرح چارچوب جدید پاسخ گیرد.

۱-۱. مفاهیم هم‌مرز با منفعت عمومی

مقوله‌های متعددی با منفعت عمومی قرابت دارند؛ از جمله منفعت فردی (چون برآیند یا عدم نقض آن، در نظریه‌هایی که در ادامه می‌آید، به‌عنوان یکی از معیارهای شناخت منفعت عمومی دیده می‌شود)، منفعت ویژه،^۱ رفاه اجتماعی، منفعت اجتماعی، منفعت جمعی، خیر عمومی، خیر مشترک^۲ و منافع ملی. از این میان منفعت فردی و نیز دو مصداق اخیر مای جمعی، به دلیل کارآمدی بیشتر در بحث، طرح می‌شود، به‌علاوه‌ی مصلحت نظام که در ادبیات سیاسی و حقوقی حاکم پرتکرار است. به دو نکته لازم است اشاره شود: نخست اینکه شکل‌گیری هر مای جمعی، مستلزم داشتن آگاهی جمعی (مرزگذاری آگاهانه و هدف‌مند و غیراتفاقی، میان خود/دیگری یا خودی‌ها/دیگران)، تعلق خاطر گروهی، اشتراکات گسترده و وجود/ایجاد نهادهای مشترک است؛ دوم اینکه سازکارهای دموکراسی گفت‌وگویی، آن‌گونه که هابرماس صورت‌بندی می‌کند، به‌مثابه روش، می‌تواند در حصول به نتیجه در هر تصمیم‌گیری جمعی کارآمد باشد.

۱. Special interest، شخص یا گروهی که سعی می‌کند تصمیم حکومت را به نفع خود متأثر سازد (The Britannica Dictionary).

2. Common Good.

۱-۱-۱. منفعت فردی

منفعت خصوصی چندان نیازمند تعریف و شفاف‌سازی نیست؛ چون هر شخص به بهترین شکل ممکن آنچه را برایش خوب است شناسایی می‌کند و در شغل و انتخاب‌های روزمره تعقیب می‌نماید. مفاهیم مشابه منفعت خصوصی، مانند سعادت فردی، سود خصوصی، منفعت فردی، منفعت شخصی همه کم‌وبیش به امر واحد اشاره دارند، مگر اینکه در بافتار متفاوت، مانند بستر دینی یا ایدئولوژیک، قرار گیرند؛ در آن صورت خوانشی کلان بر درک فردی سایه می‌اندازد و به آن جهت می‌دهد.

وقتی منفعت خصوصی، در عرصه اجتماعی و در سطح تعاملی طرح شود، اختلاف نظرها بروز می‌کند: نظریه‌پردازانی چون راس و زیمل، منفعت را به‌مثابه یگانه نیروی عظیم در حیات اجتماعی فرض می‌کنند (Swedberg, 2018: 94)؛ وبر، بورديو و هم‌فکرانشان منفعت را به‌عنوان یکی از چندین عامل مؤثر بر رفتار اجتماعی تحلیل می‌کنند (Swedberg, 2018: 103) و کسانی چون پارسونز و مایر جایگاهی برای منفعت در تحلیل رفتار جمعی انسان قائل نیستند (Swedberg, 2018: 118). درخصوص رابطه میان منفعت عمومی و خصوصی^۱، نظریه‌های متعددی وجود دارد و به‌طور اساسی تمرکز دکرترین منفعت عمومی بر تبیین این ارتباط است. یک سر طیف قائل به وجود تعارض ذاتی و سر دیگر قائل به ضرورت هم‌سویی این دو است؛ پژوهش حاضر به دنبال مستقل کردن تئوری منفعت عمومی از خصوصی به‌مثابه راه سوم است.

۱-۱-۲. خیر مشترک

خیر مشترک یکی از نظریه‌های باستانی برای توضیح روح جمعی یک جامعه سیاسی است؛ یعنی نسبت به مفاهیم مشابه، سابقه تاریخی کهن‌تری دارد. پیدایش مفاهیم جدید

۱. رابطه میان منفعت عمومی و خصوصی در منابع کهن ایرانی نیز جای بحث و تأمل نظری دارد. (رک.

رحمتی‌فر، ۱۴۰۳: ۲۰۱)

و ایجاد تحولات همه‌جانبه در زیست جمعی انسان، ازجمله افزایش جمعیت گروه‌های خرد انسانی،^۱ راه احیا و بازتعریف آن را باز کرده است. از منظر ارسطو جامعه سیاسی، اجتماعی از مردمی است که با هم، برای داشتن یک زندگی خوب، می‌زیند و کار می‌کنند. زندگی خوب برای همه، هدف غایی جامعه سیاسی و همان خیر مشترک است (Morrison, 2013: 176, 177) چنین تعریفی در زیست امروزی ناکافی و مستلزم بازخوانی است. از این رو، تعریف‌هایی چون سعادت‌مندی برای همه شهروندان، شرایط خوب برای انواع فعالیت‌های شبکه‌ای که زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهد، سعادت‌مندی همه شهروندان به‌مثابه کل واحد و سعادت‌مندی شهر (Morrison, 2013: 182-187) با لحاظ دیدگاه ارسطو از خیر مشترک ارائه شده است. مهم‌ترین نکته قابل استفاده از نگاه ارسطویی این است که خیر مشترک در سطوح خردتر و جمعیت‌های کم‌شمار قابل حصول است.

در تمایز با منفعت عمومی، خیر مشترک یک مفهوم اجتماعی و ناظر بر مجموعه امکاناتی، اعم از مادی، فرهنگی و نهادی است که برای یک اجتماع سودآور است. از این رو، در جوامع محلی، سازمانی و خرد در برابر ملی و کلان‌گره می‌خورد و کمتر از آن سیاست‌مداران استفاده می‌کنند. برای مثال، اصلاح سیستم آب‌رسانی یک محله، موضوع خیر مشترک ساکنان آن است؛ همین‌طور افزایش کیفیت غذای یک دانشگاه. این مفهوم تنها میان حاضران در تصمیم‌گیری شکل می‌گیرد، نه هیچ فرد یا گروه غایبی. روش حصول خیر مشترک چانه‌زنی، مصالحه^۲ و اجماع (Gutmann and Thompson, 2013: 185) و طبعاً اعلان نتیجه آن توسط تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان است؛ پس از دل مناسبات قدرت بیرون می‌آید و برآیند خودحاصل‌شونده منفعت‌های خصوصی نیست.

۴. منظور این است که جمعیت حدود دویست و پنجاه هزار نفری دولت-شهر آتن (Thorley, 2004: 74) در این زمانه قابل مقایسه با تعداد شاغلان صنعت نفت ایران است (Naftonline, 2021).

۱-۱-۳. منفعت ملی

منفعت ملی مفهومی سیاسی است که در رقابت و تعامل با دیگر ملت‌ها معنا می‌یابد و با مقوله حاکمیت و اقتدار دولت در پیوند است؛ از این رو، بیشتر با حقوق بین‌الملل عمومی و روابط بین‌الملل مرتبط است (Oxford Reference)، نه حقوق عمومی. برای مثال، هزینه‌های نظامی یک دولت در دولت دیگر به‌طور احتمالی با چالش مواجه‌سازی به نام منفعت عمومی مواجه است و در عوض به نام منافع ملی توجیه می‌شود.

متولی منفعت ملی، قوه مجریه و به‌طور مشخص نظام دیپلماسی هر کشور است و پارلمان در آن در جایگاه راهبری قرار ندارد؛ مدعی نقض منفعت ملی دولت است، نه شهروندان. در واقع، به همان دلایلی که اصطلاح حقوق بین‌الملل به جای حقوق بین‌الدول کار می‌کند، منفعت ملی هم به جای منفعت دولت یا کشور^۱ نشسته‌است؛ البته اصطلاح اخیر بی‌سابقه نیست (Wight, 2023).

۱-۱-۴. مصلحت نظام

برخلاف مفاهیم پیشین، مصلحت نظام، کاربرد جهانی ندارد و در ادبیات سیاسی-حقوقی حاکم بر ایران استفاده می‌شود. مصلحت، در قالب مصالح مرسله، از مفاهیم اولیه فقه عامه است؛ به معنای تشخیص حکم برای موضوع‌هایی که در شرع نصی و دلیلی در مورد آن وجود ندارد (سیدباقری، ۱۳۸۸: ۱۷۶ و ۱۷۷). از منظر فقه شیعه، مصلحت دلیل پشت هر حکمی، که گاه بر آن تصریح شده یا با استفاده از منابع قابل کشف است. مصالح با اختلاف‌نظرهایی، عبارت‌اند از حفظ دین (مانند جهاد)، جان (مانند قصاص)، عقل (مانند حرمت شراب)، نسل (مانند قاعده فراش) و مال (مانند حکم سرقت) به‌عنوان مصالح چندگانه است (شوشتری و صابری، ۱۳۹۵: ۲۰۸). در رویکرد شیعی، تشخیص مصلحت منوط به تعامل میان متخصص دین و متخصص

1. State Interest.

علوم دیگر است. در تاریخ فقه، مصلحت نظام اسلامی سابقه ندارد و تنها رگه‌هایی از مصلحت مسلمین دیده می‌شود (سیدباقری، ۱۳۸۸: ۱۷۸). پس از انقلاب با حکم حکومتی ولی فقیه، برای شناسایی مصلحت نظام، به‌عنوان یکی از مصالح چندگانه، در جدال میان مجلس و شورای نگهبان یا در صدور احکام حکومتی، مجمع تشخیص تشکیل شد؛ در واقع، مجمع نهاد عینیت‌بخشی به مای جمعی نظام است.

۱-۲. بازخوانی انتقادی نظریه‌های منفعت عمومی

تعاریف زیادی از منفعت عمومی وجود دارد که گاهی عاری از الزام‌های منطقی یا بی‌توجه به لوازم عمل‌گرایی هستند؛ مانند چیزی که مردم انتخاب می‌کنند؛ البته اگر درست ببینند، عاقلانه بیان‌دیشند، به دور از سود شخصی و خیرخواهانه عمل کنند یا با کنار گذاشتن خودخواهی فردی و قراردادن ترجیح‌های خود در کنار ترجیح‌های دیگران برای رسیدن به یک مصالحه (Glazer, 2007: 30) یا نفع خصوصی جهان‌شمول یا چیزی که همگان تمنای آن را دارند (منصوری و شیبانی، ۱۴۰۱: ۱۱۸). چنین تعاریفی با مبنا قراردادن معیارهای شخصی، غیرعینی و غیرقابل اندازه‌گیری،^۱ بیشتر کارکرد اخلاقی دارند. به این معنا که به کنشگر اخلاقی امکان انتخاب منطبق بر منفعت عمومی، در فرض قرارگرفتن بر سر دوراهی می‌دهد. بیشتر این تعریف‌ها اصل را بر منفعت خصوصی می‌گذارند و برای منفعت عمومی استقلال معنایی - نهادی قائل نیست. نکته قابل توجه اینکه حتی در حد انتخاب اخلاقی، به‌ویژه وقتی یک سمت‌گزینش منفعت عمومی گروهی، مانند منفعت حزبی یا صنفی باشد، تشخیص منفعت عمومی از گروهی، در مقابل فردی، برای انسانی بسیار دشوار می‌شود چه رسد به ترجیح آن.

۱. انتقادهایی از این دست، گاه موجب انکار منفعت عمومی، به‌ویژه با لحاظ ظرفیت آن در توجه و تقویت استبداد دولت شده‌است (Short, 2023: 779).

۱-۲-۱. طبقه‌بندی دیدگاه‌ها

خلاصه‌وار چند خوانش از منفعت عمومی، قابل اشاره است؛ **فایده‌گرایی**: نظریه‌پردازان این دیدگاه طرفداران نظریه سودانگاری بن‌تام هستند. اینان منفعت عمومی را بیشترین سود برای بیشترین شمار مردم یا مجموعه همه منافع فردی می‌دانند؛ در این رویکرد، مرجع تشخیص منفعت عمومی، مقامات عمومی هستند (Sheydayia, Dadashpoor, 2022: 4)، اگرچه ممکن است اشتباه کنند. بن‌تام درواقع به منظور ایجاد تسهیل در کار دولت، معیار حداکثری‌سازی لذت و حداقلی‌سازی درد را پیشنهاد می‌دهد و چهار منبع را سرچشمه لذت و درد می‌داند: جسمانی، سیاسی، اخلاقی و دینی (Bentham, 2000: 27). چنین دیدگاهی به‌ظاهر پاسخ نهایی را می‌دهد ولی درواقع تنها مفاهیم مبهم دیگری را روی میز می‌گذارد. نتیجه اینکه اراده دولت به‌عنوان شاخص منفعت عمومی اجتناب‌ناپذیر می‌شود و تشکیک در آن تنها می‌تواند کارکرد اخلاقی داشته باشد؛ بنابراین در حالت خوش‌بینانه مخاطب فایده‌گرایی مقامات سیاسی هستند و به آنها برای انتخاب درست خط می‌دهد و گرنه نظریه‌ای محافظه‌کار برای مشروعیت‌بخشی به تصمیم و وضع موجود است؛ چراکه اساساً درک واحد از مفاهیم انتزاعی چون شادی، خوشبختی، سود و لذت وجود ندارد؛ پس هرچه حکومت اراده کند عین اینهاست.

نظریه‌های تجمع و وحدت: طرفداران تجمع^۱، در ادامه فایده‌گرایی و با اصالت دادن به فرد در برابر جامعه، منفعت عمومی را جمع یا برآیند منافع خصوصی تلقی می‌کنند (Boot, 2020: 9)؛ از این منظر، منفعت عمومی مساوی با منفعت اکثریت است. دیدگاه رقیب، یعنی وحدت‌گرایی، با اصالت دادن به جامعه، معتقد است که اگر اولاً منفعت عمومی به‌درستی شناسایی شود، ثانیاً منفعت خصوصی در یک فرایند اخلاقی تعریف گردد و مصداق یابد، درنهایت منفعت عمومی مساوی با منفعت خصوصی می‌شود؛ یعنی بروز هرگونه تعارض میان اینها منتفی است (Boot, 2020: 12, 13). روشن است

1. The aggregative theory.

که این مایه از پیش فرض و اگر، چنین نظریه‌ای را کم‌اعتبار یا حداقل فاقد فایده عملی می‌سازد.

عدالت اجتماعی: منفعت عمومی در رعایت عدالت برای همگان است. این دیدگاه معنای منفعت عمومی را کم‌وبیش همان عدالت اجتماعی می‌داند، پس آن را با انواع تئوری‌های عدالت، به‌ویژه عدالت توزیعی، درمی‌آمیزد و با ارائه یک‌سری اصول اولی و تخطی‌ناپذیر به دولت در جهت شناسایی منفعت عمومی خط می‌دهد (Chettiparamb, 1288, 1289: 2016). در این رویکرد، منفعت عموم در برخورداری از رفاه انگاشته می‌شود و پرسش از چگونگی حصول رفاه است که نظر را معطوف به عدالت می‌سازد؛ به عبارت دیگر، منفعت عمومی، ساده‌انگارانه همان رفاه اجتماعی است. به‌علاوه عدالت، دو بعد ماهوی (نتیجه تصمیم‌ها) و فرایندی (روش رسیدن به تصمیم) دارد. بعد اخیر بر لزوم استفاده از سازکارهای دموکراسی برای اتخاذ تصمیم تأکید دارد؛ از این رو، برخلاف سودانگاری، قیدی برای شناسایی منفعت عمومی می‌سازد. منتها روش اصلی دموکراتیک در این موضوع، همه‌پرسی است. برگزاری همه‌پرسی، جز در محدود سنت‌های دموکراتیک مانند سوئیس، به صورت گاه‌به‌گاه، آن هم به ابتکار حکومت، قابل اجراست؛ در حالی که مصداقیابی منفعت عمومی فرایندی هر روزه است.

ارتباطات محوری: این نگاه که وام‌دار دموکراسی گفت‌وگویی یورگن هابرماس (فیلسوف و نظریه‌پرداز اجتماعی معاصر)^۱ و تئوری قدرت ارتباطات مانوئل کاستلز (جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز جهانی شدن) است، منفعت عمومی را واجد هیچ معنا و مصداق از پیش مشخصی نمی‌داند. شناسایی‌اش به این ترتیب است که افراد از طریق

۱. هابرماس این نظریه خود را در آثاری چون Between Facts and Norms: Contributions to a Discourse Theory of Law and Democracy, The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry into a Category of Bourgeois Society and the Evolution of Society طرح کرده‌است و نیز کتابی که به پارسی با عنوان جهانی شدن و آینده دموکراسی، منظومه پساملی، کمال پولادی آن را ترجمه کرده‌است.

فرایندهای دموکراسی ارتباطی و با کنار گذاشتن تعصب‌های فردی خود بر سر آن توافق می‌کند (Innes, Booher, 2015: 203-205)؛ با این نگاه، متصور است که نقض حقوق بشر مصداق منفعت عمومی شود (Boot, 2022)؛ یعنی برخلاف ظاهری دموکراتیک می‌تواند به نقض حقوق اقلیت زیر اراده اکثریت منجر شود. انتقاد دیگر اینکه پیش‌فرض این دیدگاه کنار گذاشتن تعصب فردی است، افراد در شرایط طبیعی سودجویانه و با ابزارهای قدرت خود وارد گفت‌وگو می‌شوند؛ در این صورت امیدی به شنیده شدن افراد و گروه‌های حاشیه‌ای نیست و منفعت عمومی به برآیند منافع خصوصی افراد دارای قدرت تنزل می‌یابد. چنین رویکردی بیشتر به کار شناسایی خیر مشترک می‌آید تا منفعت عمومی.

برخی از سایر دیدگاه‌ها: برای تکمیل بحث به چند دیدگاه دیگر به‌طور خلاصه اشاره می‌شود؛ اینها کماکان خارج از سنت حقوقی هستند. از منظر هست‌انگاران، منفعت عمومی امری غیرتجویزی یا توصیفی و پیش‌بینی است که ما را ما کرده است؛ در رویکرد تحلیل‌گران قدرت، منفعت عمومی، توجیه‌کننده تصمیم و اقدام صاحبان قدرت است (زندیه و صرافی، ۱۴۰۲: ۳۱). رویکرد نخبه‌گرایانه برای متخصصان جایگاه قائل است و منفعت عمومی را تعهد اولیه برنامه‌ریزان به جامعه می‌داند؛ تعهدی که از طریق بحث باز و مداوم فرمول‌بندی می‌شود؛ به بیانی دیگر، آن را منفعت واحد و کلی مردم تعریف می‌کند که نخبگان سیاسی - اجتماعی آن را تعیین می‌کنند. رویکرد اجماع‌محور، روش شناسایی منفعت را موضوع اصلی می‌بیند: نقطه تعادل بین منافع رقیب، که از طریق چانه‌زنی به‌دست می‌آید یا نحوه تجمیع ارزش‌های متناقض و چندگانه اجتماعی (Dadashpoor and Sheydayi, 2021: 4). فرایندگرایی بر بروکراسی حاکم بر شناسایی منفعت عمومی تأکید می‌گذارد: تعهد دولت به پیروی از فرایندی که پیشرفت اجتماعی را به حداکثری کردن انتخاب‌های فردی منوط می‌کند یا فرایند گام‌به‌گام تبدیل منفعت خصوصی به عمومی (Boot, 2020: 9-12).

۱-۲-۲. کاستی‌های مشترک نظریه‌ها

با تحلیل انتقادی رویکردهای پیش گفته به منفعت عمومی، وجوه اشتراک آنها، به عبارتی کاستی‌های نظریه‌های منفعت عمومی، عبارت‌اند از:

- در خدمت قدرت بودگی: همه دیدگاه‌ها منفعت عمومی را هم‌جهت و در خدمت قدرت می‌بینند؛ در دیدگاه‌های نتیجه‌گرا اراده حکومت تعیین‌کننده است؛ در فرایندگرایی، نبود زیرساخت برای مشارکت افراد حاشیه‌ای نادیده گرفته می‌شود. حتی تعریف بتنامی منفعت عمومی به بیشترین میزان سود برای بیشترین تعداد افراد چنین وصفی دارد؛ چراکه نفع بزرگ فوت‌شده اقلیت کوچک را قابل چشم‌پوشی تلقی می‌کند. هست‌انگاری، ظرفیت بالایی برای تبدیل کردن منفعت عمومی به ابزار موجه‌سازی قدرت دارد.

- ابتدا بر منفعت خصوصی: از تمام این مناظر منفعت عمومی تابعی از نفع خصوصی یا روبنایی است که بر زیربنای منفعت خصوصی استوار شده است. یکی از علل در افتادن منفعت عمومی به ابزار قدرت، همین دیدن آن در ادامه منفعت خصوصی، به‌عنوان نیروی هدایتگر رفتار کنشگر در جهت تأمین و ارتقای امر اقتصادی خود است. در نتیجه، منفعت عمومی به سرپوشی برای توجیه و پیگیری منفعت شخصی منتها با ظاهری دیگر/خیرخواهانه و مشروع تبدیل می‌شود. از این رو، و به واسطه تکرار مداوم در ادعاهای زودگذر سیاسی، در کشاکش رقابت برای رسیدن به قدرت و ماندن در آن، تعریف قابل اتکایی نیافته و به اصطلاحی مبتذل تبدیل شده است؛ در حالی که به‌طور اساسی جنس این دو تفاوت دارد. در ادامه تبیین خواهد شد که جای پیگیری یکی سپهر خصوصی و دیگری سپهر عمومی است. دیدن منفعت عمومی، در ادامه منفعت خصوصی، غلط‌خوانی یک مفهوم حقوق عمومی است.

- اقتصادمحوری: دیدگاه‌های موجود نگاه معطوف به اقتصاد دارند و نفع عمومی را به سطحی از برخورداری مادی همگان یا چگونگی باز/توزیع ثروت عمومی یا به

تعبیر دیگر به نیاز اجتماعی^۱ تقلیل می‌دهند. از این رو، پیوند موضوع‌هایی چون آزادی، مشارکت عمومی و استقلال قضایی با منفعت عمومی تلقی می‌گسلد.

- پروژه - محوری: یکی از عوامل آسیب‌زننده به ادبیات منفعت عمومی، بهره‌گیری از آن برای طرح‌های توجیهی است، به نحوی که گویا خاستگاه منفعت عمومی مدیریت پروژه و کارکردش مشروعیت‌بخشی به آن است (Sheydayia, Dadashpoor, 2022: 1)؛ پروژه‌هایی که بخش خصوصی، به‌عنوان پیمانکار، برای بخش عمومی یا دولتی، به‌عنوان کارفرما، انجام می‌دهد. بدیهی است که بخش خصوصی همواره به دنبال تأمین منفعت خصوصی است؛ درنتیجه، نفع خصوصی حداکثری خود را به نام عموم توجیه می‌کند. از این رو، محل توجیه منفعت خصوصی نه طرح که قانونی است که زمینه انجام آن را فراهم کرده است؛ به‌خصوص قانون بودجه که بدون مجوز اولی آن انجام هیچ طرحی ممکن نمی‌شود.

۲. چارچوب‌بندی مفهومی منفعت عمومی از منظر حقوق عمومی

در ادامه منفعت عمومی آن‌گونه که باید باشد، یعنی با نگاهی هنجاری مورد تحلیل قرار می‌گیرد. هدف این است که این صورت‌بندی با اقتضاهای حقوق عمومی هماهنگ، از مفاهیم هم‌مرز خود متمایز و عاری از انتقادهای وارده بر دیدگاه‌های موجود باشد.

۲-۱. شناسایی امر عمومی به‌جای محاسبه گستره عموم

در بخش بزرگی از نظریه‌های منفعت عمومی، پرسش این است که عموم کیست؛ یعنی یک تصمیم اگر چه تعدادی از افراد از یک تصمیم مستقیم یا غیرمستقیم متأثر شوند، آن تصمیم موضوع منفعت عمومی تلقی می‌شود؟ یا به عبارت دیگر مساحت دایره عموم چقدر است؟ (ICAEW, 2018: 37) چنین نگاهی در تأمین سطح‌هایی از منفعت

1. Social need (Kivotidis, 2023). اصطلاح از اینجا وام گرفته شده است

خصوصی، به‌ویژه در نوع گروهی، به نام منفعت عمومی را می‌گشاید. برای مثال، در جایی که یک نماینده به دنبال توجیه طرحی برای احداث یک جاده از روستای کم‌جمعیت پدری‌اش به پایتخت است، عموم تلقی کردن مردم آن روستا، فقط جنبه استعاری دارد؛ در حالی که در همین روستا ساختن مدرسه از حیث منفعت عمومی موجه است. در حالی که پرسش از منظر حقوقی درست این است که عمومی چیست به جای عموم کیست.

ایجاد خوانش‌هایی که به دنبال کیستی عموم می‌روند، ناشی از وارد کردن نگاه عددی/آماري به یک مقوله اصالتاً حقوقی است. در حالی که منفعت عمومی، منفعت مورد اجماع در سپهر عمومی است؛ یعنی در جایی که در تناظر با سطح وظایف پارلمان، کسانی به صورت انتزاعی حق مشارکت عمومی دارند یا به صورت انضمامی در آن مشارکت می‌جویند. به‌طور اصولی شهروندانِ مقیم کشور، حق حضور در سپهر عمومی را دارند. نگرانی برای کسانی است که به دلایلی چون بی‌سوادی یا بی‌میلی از درون از مشارکت بازمی‌مانند یا به دلایل مربوط به نظام حقوقی مانند نداشتن مدارک مثبت هویت ملی از بیرون از مشارکت محروم می‌شوند (رحمتی‌فر، ۱۴۰۱) علاوه بر اینها نگرانی از وضعیت آیندگان نیز وجود دارد.

در مورد دیدن منفعت نسل آینده در قالب منفعت عمومی، قربانی کردن منفعت نسل حاضر به نام آیندگان موهوم، محل بحث جدی است؛ به‌طور مشخص یکی از انتقادهای لیبرالی به سوسیالیسم همین است. نسل آینده و به‌طور کلی فرد ناموجود کمتر مورد توجه سنت حقوقی است؛ مگر در حد مقرر مواد ۸۵۱ یا ۸۷۵ قانون مدنی ایران درباره وصیت به نفع و ارث‌بری حمل قطعاً موجود. طرف حق واقع شدن نسل آینده، از حیث اصولی تفاوتی با طرف وظیفه قرارگرفتن ندارد و هر دو با منطق حقوق مغایر است. به-علاوه منفعت عمومی، یگانه مفهوم مؤثر بر تئوری حقوق عمومی نیست. مفاهیمی چون منفعت ملی و میراث مشترک بشریت می‌توانند دغدغه درباره نسل آینده را پاسخ دهند.

با این حال، اگر نفع کودکان در فرایند عینی‌سازی منفعت عمومی دیده‌شود و اولویت-دار تلقی شود، به‌قدر کافی نگرانی برای نسل آینده رفع می‌گردد.

تکلیف تصمیم‌ها و اقدام‌هایی که در سطوح فروملی یا فراملی، به‌طور مثال احداث یک زیرگذر جدید در یک شهر یا تصویب کنوانسیون برای مبارزه با آلودگی ریزپلاستیکی، چه می‌شود؟ چراکه اینها برای ساکنان یک شهر یا مردم جهان سودمند احتمالاً عمومی تلقی می‌شوند. عمومی متعین در منفعت عمومی، در سطح ملی، در حدود صلاحیت پارلمان، کاربرد دارد. برای سطوح دیگر می‌توان از مفاهیم موجود مانند خیر مشترک و عام‌المنفعه^۱ استفاده کرد یا به ایجاد مفهوم جدید منفعت عمومی جهانی یا منفعت عمومی شهری و منفعت عمومی شرکتی اندیشید؛ در غیر این صورت منفعت عمومی، با خوانش علم حقوق از مفهوم عمومی به نحوی که در بالا طرح شد، چارچوبی است برای تحدید حاکمان در سطح ملی و تسری آن به امور محلی، حداقل از منظر حقوقی، جنبه استعاری دارد.

بنابراین مهم‌ترین مرحله حقوقی‌سازی منفعت عمومی، اثبات عمومی بودن یک منفعت است؛ یعنی اثبات اینکه این خواسته محصول اجماع حاصل از مشارکت در سپهر عمومی است. محل بروز آن مقدمه مصوبات و به دلایلی که در ادامه پژوهش بحث می‌شود، بدنه اصلی آرای قضایی است. روش آن موجه‌سازی و اثبات رفع تعارض منافع احتمالی است. در موجه‌سازی با رویکردی اقناعی و در نگارشی حقوقی، نه سیاسی و سخنورانه، عمومی بودن یک تصمیم به اثبات می‌رسد (ICAEW, 2018: 4). در مورد مدیریت تعارض منافع، در فرض بروز تعارض (میان منفعت عمومی و خصوصی نماینده) نماینده طی فرایندی از پیش گفته‌شده، آن را اطلاع‌رسانی می‌کند (رحمتی‌فر، ۱۴۰۲: ۲۰۷).

۲-۲. عینیت بخشی به منفعت عمومی

عینیت بخشی، لازمه حقوقی سازی هر مفهومی و به معنای خارج کردن منفعت عمومی از مقوله ای انتزاعی و در عوض انضمامی ساختن آن است، به نحوی که بتوان در مورد نقض یا رعایت آن قضاوت حقوقی داشت. عینیت بخشی به منفعت عمومی مستلزم چهار مرحله شکل دهی، شناسایی، تثبیت و تشخیص است، میان این مراحل تقدم و تأخر وجود دارد؛ یعنی ابتدا شکل دهی انجام می شود، سپس شناسایی، تثبیت و در پایان تشخیص. منتها در اینجا به منظور جلوگیری از تکرار مطالب، موضوع به ترتیب مقتضی زیر طرح می شود.

۱-۲-۲. تثبیت منفعت عمومی

در ساختار نظام تفکیک قوا، پارلمان به واسطه موقعیت واحد، ملی، کلی و همگانی خود به خوانش عمومی متجلی در منفعت عمومی نزدیک تر است و حتی نماد آن محسوب می شود. اداره مجری قوانین و مقررات پارلمانی است و بر این اساس مقرراتی هم تولید می کند؛ مقرراتی که به نوبه خود باید از منفعت عمومی مورد نظر پارلمان خط گرفته باشد. لازم است توجه شود که میان لزوم پیروی همیشگی اداره از قوانین پارلمانی (رعایت اصل حاکمیت قانون) و حرکت در خط منفعت عمومی تفاوت وجود دارد؛ در اولی تنها کافی است اداره مجری قانون باشد و آن را نقض نکند؛ از این رو است که در قالب آیین نامه مستقل (در ایران) یا با صلاحیت عام در قاعده گذاری (مفهوم مخالف ماده ۳۴ قانون اساسی در فرانسه) می تواند مستقل از پارلمان قاعده حقوقی تولید کند. در حالی که در بحث از منفعت عمومی، استناد به آن جز به عنوان اجرای اراده پارلمان ممکن نیست؛ یعنی اداره نمی تواند به نام منفعت عمومی، اقدام های مستقل از پارلمان خود را توجیه کند؛ بنابراین مرجع اعلان و تثبیت منفعت عمومی پارلمان است و اداره آن را به عنوان رهنمود در وظایف خود پیاده می سازد؛ منتها

پارلمانی که نه از پیش خود که به‌عنوان فصل‌الخطاب یک فرایند به‌طور نسبی طولانی و چند لایه مشارکت عمومی اقدام، نتیجه آن را اعلان کرده و به آن رسمیت داده است. درنهایت، حتی می‌توان این نظریه را طرح کرد که پارلمان تنها صلاحیت وضع قوانینی را دارد که متضمن منفعت عمومی باشد؛ به عبارت دیگر، تنها پارلمان می‌تواند منفعت عمومی را تثبیت کند و پارلمان فقط باید منفعت عمومی را تثبیت کند. این ادعا با دو گزاره قابل تقویت است؛ نخست اینکه روی دیگر بی‌توجهی به منفعت عمومی، بروز فساد است؛ یعنی اگر مصوبه پارلمان با منفعت عمومی قابل توجیه نباشد، آن مصوبه فسادآلود است؛ دوم اینکه سایر مقوله‌های هم‌مرز منفعت عمومی، هر کدام نهاد و متولی خود را دارند و وضع قانون در آن مورد به منزله مداخله، نقض اصل تفکیک قوا یا خروج از حیطه صلاحیت است؛ البته صلاحیت گسترده نظارتی پارلمان به جای خود باقی و وظیفه تثبیت منفعت عمومی صرفاً ناظر بر صلاحیت قانون‌گذاری است. این مرحله و دو مرحله بعدی، از طریق نظارت قضایی تضمین می‌شود.

۲-۲-۲. شناسایی و شکل‌دهی به منفعت عمومی

در نظام حقوق عمومی متناظر با یک حکمرانی دموکراتیک، تنها گزینه‌هایی برای ایجاد منفعت عمومی قابل پیشنهاد است که مبتنی بر پذیرش مشارکت عمومی و اعمال آن به-عنوان یک حق بشری باشد. روش‌های مشارکت عمومی هم شامل سازکارهای دموکراسی مستقیم، مانند کنش‌گری پیشاسیاسی از طریق گروه‌های مدنی چون سازمان‌های غیردولتی و اصناف، گرد هم آمدن در فضاهای عمومی، استفاده از بسترهای برخط، فعالیت در قالب گروه‌های سیاسی، نظر دادن به پیشنهاد در شرف تصویب، تشکیل اتاق‌های فکر مردمی، هم‌فکری از طریق رسانه‌ها و مطبوعات، هم سازکار دموکراسی نیمه مستقیم، مانند همه‌پرسی است. منتها وقتی صحبت از واژه عمومی باشد مسئله اصلی تداوم حضور در سپهر عمومی است. از این رو، روش‌های نوع نخست چون به ابتکار خود مردم جریان می‌یابد، اصالت دارد؛ بنابراین به‌طور اصولی پارلمان

باید بتواند با رصد کردن گفت‌وگوها در سپهر عمومی، منفعت عمومی را شناسایی کند. منتها چه تضمینی وجود دارد که نمایندگان بتوانند منفعت عمومی را به‌درستی درک کنند^۱ یا نخواهند منفعت خصوصی خود را به منفعت عمومی ترجیح دهند؟ اگر نظام‌های سیاسی پارلمانی از حیث دموکراسی ماهوی به دو دسته دموکراتیک و غیر آن تقسیم شوند (Haas, 2019: 20)، نظام‌های غیردموکراتیک، مانند انواع پادشاهی-های مطلقه با ظاهر مشروطه یا جمهوری‌های غیردموکراتیک، به‌طور اساسی منشأ مشروعیت خود را از عموم مردم دریافت نمی‌کنند که پارلمان‌شان تأمین منافع عموم را هدف غایی خود قرار دهد. نظام سیاسی دموکراتیک هم با داشتن ویژگی ذاتی چرخش دوره‌ای قدرت، مسئولیتی در برابر تأمین منفعت عمومی و رای دوره حکمرانی خود ندارند. در چنین وضعیتی وارد کردن مرجعی که به‌رغم رقابت‌های سیاسی و غیرادواری وظایف خود را انجام دهد، ضروری است.

این مرجع احزاب هستند که با مشارکت و رقابت‌های سیاسی درازمدت، نهاد اصلی و مقوم سپهر عمومی محسوب می‌شوند (رحمتی‌فر، ۱۴۰۰: ۱۳۱) و به‌واسطه حضور تاریخی در سپهر عمومی، درک خود از منفعت عمومی را شکل داده‌اند، علنی کرده‌اند و به‌طور مدام آن را با رصد کردن گفت‌وگوهای عمومی و شناسایی اراده عمومی به - روزرسانی می‌کنند. اگرچه این درک در وهله نخست تأمین‌کننده منافع گروهی/حزبی آنهاست، مشارکت‌کنندگان در سپهر عمومی، در بزنگاه انتخاب، از حزبی که خوانشش از منفعت عمومی به اراده آنها نزدیک‌تر است، پشتیبانی می‌کنند و حزب کم‌توجه به منفعت عمومی ناچار رقابت را می‌بازد. خارج از چارچوب نظام احزاب، یعنی در دموکراسی‌هایی که به جریان‌های مبهم سیاسی و افراد مستقل امکان جلب حمایت و

۱. یکی از موضوع‌هایی که به‌ویژه در نظریه‌های مدیریتی (کلاً نظریه‌هایی که مردم بیشتر از حق مشارکت در ساختن منفعت عمومی، حق نظارت همگانی بر آنچه منفعت عمومی ادعا شده، دارند) مطرح می‌شود، لزوم بازبینی منطقی یا تقویت درک شهودی (sense check) نسبت به تحقق یا نقض منفعت عمومی است (ICAEW, 2018: 23).

تبدیل شدن به نماینده را می‌دهند یا نظام‌هایی که به معنای ماهوی دموکراتیک محسوب نمی‌شوند، هیچ تضمینی برای درک درست منفعت عمومی توسط پارلمان وجود ندارد. تا اینجا راه‌کاری برای رعایت منفعت کودکان و اقلیت‌ها و گروه‌هایی ارائه نشد که راه به سپهر عمومی ندارند و صدایشان در آن شنیده نمی‌شود. از این رو مرحله و فرایند تشخیص ضروری می‌شود.

۲-۲-۳. تشخیص منفعت عمومی

وقتی نوبت به تشخیص می‌رسد که اختلاف در مصداق بروز کند. به‌رغم اینکه محل اولی توافق بر/شکل‌دادن به منفعت عمومی سپهر عمومی، محل شناسایی آن احزاب و محل تثبیت آن پارلمان است، کماکان سازکاری برای نظارت بر درستی فرایند ضروری است. مناقشه بر سر معیار تشخیص منفعت عمومی به حدی است که دو ایده متناقض شکل گرفته است؛ یک سر طیف، چالش بر سر مصادیق را آن‌قدر بی‌پایان می‌بیند که می‌گوید اصلاً منفعت عمومی وجود ندارد (Sandercock, Dovey, 2002: 152)؛ اینها درواقع عطای نقاط قوتش را به لقای نقاط ضعفش می‌بخشد و می‌پذیرد که این صرفاً یک اصطلاح استعاری برای مشروع‌نمایی یک تصمیم است؛ در سر دیگر طیف، ایده لزوم بیمه کردن منفعت عمومی وجود دارد، تا اگر در آینده محرز شود که منفعت عمومی فوت شده، قابل جبران باشد (Blauvelt, 1915: 599- 611). دیدگاه اخیر بر این مبنا استوار است که رعایت منفعت عمومی، برخلاف زمان حال که محل بروز مناقشه-های سیاسی است، در گذر زمان یعنی در آینده قابل ارزیابی می‌شود. در مورد اخیر وجود منفعت عمومی قطعی و مصداقش آن چیزی است که آینده روشن می‌سازد. این میزان نایقینی نمی‌تواند در دکترین حقوقی جایی داشته باشد. از این روی، ارائه معیاری به‌جهت قضاوت قطعی، ضروری است.

به علاوه هر آنچه که عموم بخواهد، همان منفعت عمومی نیست. اراده عموم در تبدیل شدن به منفعت عمومی با سه مرز مواجه است:

- حقوق اقلیت: بنا نیست به نام منفعت عمومی، کسری دموکراسی اکثریتی (نقض حق اقلیت به نام خواست اکثریت) تقویت شود. برای مثال اگر گرایشی در سطح عمومی به جهت ایدای یک اقلیت نژادی ایجاد شود (مانند مورد روئنگیایی‌ها در میانمار)، نمی‌توان به نام منفعت عمومی به دنبال تثبیت و اجرای آن رفت.

- شنیدن گروه‌های حاشیه‌ای: کسانی به صورت رسمی از ورود به سپهر عمومی محروم هستند یا به آن دسترسی امکاناتی ندارند، نمونه باستانی آن زنان و بردگان در یونان و نمونه امروزی آن افراد فاقد مدارک هویتی، بی‌خانمان‌ها و بعضی اقلیت‌های جنسی، دینی و سیاسی (رحمتی‌فر، ۱۴۰۱) هستند.

- رعایت منفعت کودکان: وجه تمایز منفعت عمومی از خیر مشترک، لزوم توجه به نفع کودکان به نمایندگی از خودشان و نسل آینده است؛ در حالی که مشارکت در سپهر عمومی برایشان متفی است.

این سه شرط، که هر سه درواقع همان تضمین و رعایت حقوق اقلیت است، حداقل ملزومات نظام حقوق بشر و به‌طور مشخص حقوق بشر بین‌الملل و خط قرمزی است که حقوق بشر برای دموکراسی تعریف می‌کند. در فرضی که در فرایند عینیت‌بخشی به منفعت عمومی، حقوق اقلیت‌ها (از جمله کودکان و افراد حاشیه‌ای) نقض شود، درواقع به نام اراده اکثریت، حقوق اقلیت نقض شده است و دموکراسی به یکی از آفت‌های خود یعنی دیکتاتوری اکثریت مبتلا می‌شود. در چنین وضعیتی نه تنها فرایند عینیت‌بخشی به منفعت عمومی که به‌طور اساسی مشروعیت نظام سیاسی زیر سؤال است. از این رو است که نظارت بر عمل پارلمان (به‌عنوان نماینده اکثریت) در تثبیت منفعت عمومی ضروری می‌شود.

الف. نظارت قضایی، روش تشخیص منفعت عمومی

تضمین قیدهای سه‌گانه برعهده قوه قضائیه مستقل با قضاتی فاقد وابستگی حزبی - گروهی - شغلی^۱ است. منتها دادگاه‌ها به‌طور ذاتی ناظر پسینی هستند.^۲ راهکار، امکان طرح دعاوی نقض منفعت عمومی توسط اشخاص خصوصی (اعم از حقیقی و حقوقی مانند احزاب و گروه‌های سیاسی) در مقام خواهان، در دادگاه‌هایی با صلاحیت ابطال قوانین است و این صلاحیت با نظارت بر پارلمان به قصد پاسداری از قانون اساسی و نیز با صلاحیت رسیدگی به دعاوی منفعت عمومی سنتی^۳ تفاوت دارد.

دعاوی منفعت عمومی، در بسیاری از نظام‌های حقوقی قابل طرح است؛ منتها خواسته‌ای که زیر این عنوان طرح می‌شود به‌طور عمده جبران خسارت ناشی از تحمل ضرر توسط یک شخص خصوصی به دلیل نقض منفعت عمومی در یک مورد مشخص است و جنبه مالی دارد (Tomlinson, 2019: 23). این رویکرد تقلیل‌گرایانه، که مانع از تداوم نقض منفعت عمومی نمی‌شود، به دلیل اولاً منحصر دانستن منفعت عمومی به مقوله‌های رفاهی - اقتصادی (Dadashpoor and Sheydayi, 2021: 4) و ثانیاً دیدن منفعت عمومی در ادامه منفعت خصوصی، ازجمله طبق نظریه سودانگاری است. در این نوع دعاوی، این پیش‌فرض نهفته است که اگر منفعت عمومی به‌درستی اجرا شده بود به هیچ شخص خصوصی‌ای ضرر وارد نمی‌شد؛ البته حتی در این نوع دعاوی هم فایده توانمندسازی ذی‌نفعان و تقویت درک شهودی از منفعت عمومی نهفته است، منتها ذی -

۱. اگر قاضی به گروه یا حزبی وابسته و از آن دستورپذیر نباشد و قاعده منع جمع مشاغل در مورد او با دقت اجرا شود، احتمال اینکه در پرونده مربوط به منفعت عمومی، نفع شخصی داشته باشد بسیار پایین است. در درک درست از استقلال قضایی، همه این اوصاف برای قاضی دیده می‌شود.

۲. لازم است اشاره شود که در اینجا نظارت قضایی به نحوی که در نظام‌های رومی - ژرمنی، از جمله ایران وجود دارد، دیده شده است و لزوماً قابل تسری به نظام‌های کامن لا نیست.

در این نوع دعاوی نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا پیشرو محسوب می‌شود (3. Public Interest Litigation (Hoseini, 2022: 126, 127). و رویه قابل ملاحظه‌ای دارد

نفعانی که برای مثال به کارگران یک معدن و خانواده‌های آنها خلاصه می‌شوند (Dhliwayo, 2013: 5-7).

اگر در یک نظام حقوقی امکان طرح دعوای منفعت عمومی با خواسته اصلاح قانون وجود داشته باشد، گفت‌وگوهای گسترده در سپهر عمومی درباره ماهیت و مصداق منفعت عمومی، به سطح بالاتر و همه‌گیرتری از توانمندسازی و شفافیت بیشتر منفعت عمومی می‌انجامد. چراکه در خوانش حقوقی، مسئله جایگاه منفعت عمومی در قوانین است و نه نحوه اعمال و اجرای قوانین در عمل. برای تقریب به ذهن، چیزی شبیه موضوع بند نخست ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری. به این ترتیب، درک شخصی و غیرعینی از منفعت عمومی، در کنار معیارهای حقوقی قرار می‌گیرد تا اگر پارلمان پا از چارچوب منفعت عمومی فراتر گذاشت، از طریق نظارت اگرچه واکنشی-پسینی قضایی قابل اصلاح باشد.

ب. ابزار قضایی برای تشخیص منفعت عمومی

نظارت قضایی^۱ به طو سستی به فرایندی تعریف می‌شود که از طریق آن دادگاه تشخیص می‌دهد یک تصمیم یا اقدام وفق قانون است یا خلاف آن (Tomlinson, 2019: 19). در حالی که در بحث از منفعت عمومی، مسئله اولی این است که آیا قانون‌گذار در وضع قانون تثبیت‌کننده منفعت عمومی، صدای برخاسته از سپهر عمومی، حقوق اقلیت، دیدگاه گروه‌های حاشیه‌ای و نفع کودکان را لحاظ کرده است یا خیر؛ در اینجا اجرا یا نقض قانون وفق منفعت عمومی، توسط اداره، امری ثانوی است. در مورد اخیر، اصل حاکمیت قانون و توجه به روح و هدف قانون، مطابق معمول، راهگشای قضاوت است (Short, 2023: 824). هم‌چنین در جایی که دعوای راجع به نقض حقوق اقلیت (یا

^۱ صرف نظر از موضوع پژوهش حاضر، ۱۷۰ قانون اساسی حاوی یکی از سازکارهای نظارت قضایی در نظام حقوق اساسی ایران است. (رک. تقی‌زاده، نجابت‌خواه، فدایی، ۱۳۹۵)

همان حقوق بشر)، در تثبیت منفعت عمومی طرح شده باشد، به دلیل متعین شدن آن در اسناد بین‌المللی، مانند میثاقین، چالش جدی وجود ندارد.

در مورد کلیت منفعت عمومی، گروه‌های حاشیه‌ای و رعایت کودکان، این پرسش طرح می‌شود که دادگاه چه معیاری برای قضاوت و اعلان ابطال قانون در اختیار دارد؟ اگر پاسخ قانون اساسی باشد، در بهترین حالت راعی منفعت عمومی زمانه خود است و ارجاع ابدی به آن اراده نسل حاضر در شکل‌دهی به منفعت خود را نادیده می‌انگارد. از این رو است که مسئله بازنگری و بازنویسی قانون اساسی، یکی از سرفصل‌های حقوق عمومی و بحث‌های همیشگی سیاسی است. به‌علاوه برای نمونه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌طور اساسی ادعای تأمین منفعت عمومی ندارد؛ در اصولی از قانون اساسی (۲۸ و ۴۵) به مصلحت عمومی، حقوق عمومی (۲۴ و ۶۱) اشاره شده است و منفعت عمومی تنها در اصل ۴۰ آمده است.^۱ همان‌طور که در مقدمه آمد، در قوانین اساسی دیگر کشورها هم، حداقل تا جایی که بررسی شد، ارجاع معناداری به منفعت عمومی دیده نمی‌شود. بالاترین جایگاه را برای منفعت عمومی ماده ۱۲۴ قانون اساسی اسپانیا قائل شده که دادستان را موظف به حمایت از منفعت عمومی مورد تأیید قانون کرده است؛ در این مورد، دستگاه قضایی درواقع به‌طور معمول حافظ اصل حاکمیت قانون است، متنها با لحاظ محتوای منفعت عمومی؛ بنابراین قراردادن قانون اساسی در جایگاه سنج منفعت عمومی ناموجه است یا حداقل راهگشا نیست.^۲

۱. شاید به نظر برسد که مصادیق منفعت عمومی در اصولی مانند نهم و ۵۰، ۷۹، ۳۰، ۳۱ و ۲۹ مورد توجه قرار گرفته است؛ می‌توان بر این فهرست اعدادی افزود یا کاست؛ به هر روی در جایی که قانون‌گذار اساسی در مقام تصریح به منفعت عمومی نیست، مصادیق منفعت عمومی دانستن یک موضوع، متضمن پیش‌فرض نسبت به آن است.

۲. به‌جهت مطالعه نظر مخالف (Pourezat, Damerchiloo, and Kyani, 2018: 14).

در این وضعیت راهکار قابل ارائه، بهره جستن از ظرفیت اصول کلی^۱ حقوق بنا به دلایل زیر است:

- اصول کلی حقوقی، مستقل از نظام تقنینی و مجادله مقام‌های سیاسی هستند؛ پس کمتر احتمال متأثر شدن از منافع شخصی صاحبان قدرت عمومی را دارند.
- اصول کلی حقوقی، محصول خوانش حقوقی از انتخاب عقلی انسان نوعی است؛ یعنی به‌طور ذاتی قابلیت نو به نو شدن ناشی از منفعت شخصی و نیز برداشت شخصی دادرس را ندارند.
- دادگاه‌ها صلاحیت استناد به اصول کلی موجود و نیز ایجاد اصول جدید را دارند. از میان قوای حکومتی، در بحث تشخیص منفعت عمومی، اعتماد بیشتری به دستگاه قضایی نسبت به سایر قوا می‌توان داشت. چون تا حد زیادی در لحظه قضاوت، قاضی بی‌طرف است و منفعت شخصی نسبت به پرونده ندارد. در اینجا استقلال قضایی پیش‌فرض است.

به‌عنوان چند نمونه از اصول مرتبط حقوقی می‌توان عدم صلاحیت، منع مداخله دولت در سپهر خصوصی، نظارت‌پذیری، مشارکت‌پذیری، حاکمیت قانون،^۲ فسادستیزی، تکررگرایی، جبران خسارت، رعایت حقوق اقلیت، شفافیت، فراهم بودن زمینه کسب‌وکار برای همه، خشونت‌ستیزی، تبعیض مثبت به نفع اقلیت‌های تاریخی، توجه به کودکان، صلح‌طلبی یا هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، آزادی، حفظ ژنوم انسان و طبیعت و تضمین پایداری محیط زیست، مداخله حداقلی در محیط زیست و تأمین

۱. جایگاه اصول کلی در میان قواعد حقوقی محل بحث مفصل است؛ جهت ملاحظه یکی از دیدگاه‌ها رک. حسینی، ملکی و کاظمی، ۱۴۰۴: ۵۰۸.

۲. در دکرین حقوقی، اصل حاکمیت قانون با رعایت حقوق بشر و تضمین استقلال قضایی در پیوند ناگسستنی است (UN Security Council, 2004: Para. 6). خوانش نادرست از حاکمیت قانون است که آن را به ضرورت پیروی از مصوبات رسمی منقلب سازد. نگاهی که مغایر توسعه حقوقی منفعت عمومی است و ظرفیت بالایی برای تضمین فسادآلود انواع منافع خصوصی دارد.

رفاه، را می‌توان مثال زد. اینها بیشتر همان اصول حقوق بشر، حکمرانی خوب و دموکراسی هستند.

به این ترتیب، منفعت عمومی از لفظ زبان سیاست‌مداران به مقوله‌ای عینی بدل و دارای چارچوبی از جنس اصول کلی حقوق می‌شود. در رسیدگی به دعاوی منفعت عمومی با خواسته ابطال قانون، حضور هیئت منصفه هم راهگشاست. همان‌طور که در دعاوی کیفری حضور هیئت منصفه در تشخیص عبور از خطوط قرمز جامعه به کمک قاضی می‌آید، در اینجا هم یک هیئت منصفه پرشمارتر می‌تواند به‌عنوان مشاور در کنار قاضی قرار گیرد.

فرجام سخن

منفعت عمومی از جمله مفاهیمی است که به‌طور ذاتی چارچوب و تعریف دقیقی ندارد؛ اگر به این ابهام ظرفیت این مفهوم در تبدیل شدن به پوششی برای تأمین مشروع منفعت خصوصی افزوده شود، پذیرفتن آن به‌عنوان یک اصطلاح حقوقی خطر می‌شود. از این رو، بازخوانی آن در انطباق با اقتضائات حقوق ضروری است. منفعت عمومی از منظر حقوق عمومی، اجماع مشارکت‌کنندگان در سپهر عمومی بر سر موضوعی، در حد به گوش رسیدن صدای واحد، تثبیت این اجماع در قالب قانون پارلمانی، با واسطه‌گری احزاب، و نظارت دستگاه قضایی بر پارلمان برای تضمین رعایت کودکان، اقلیت‌ها و افراد حاشیه‌ای و البته اراده عموم، با بهره‌گیری ویژه از اصول کلی حقوق است. در این تعریف کودکان هم به جای خود مورد توجه قرار دارند و هم برای داشتن نیم‌نگاهی به نسل آینده. به‌علاوه رسیدن به اجماع مستلزم گفت‌وگوی کافی است؛ توجیه تصمیم اضطراری به نام منفعت عمومی ناروا است.

منفعت عمومی، ادامه طبیعی حق مشارکت عمومی و دموکراسی است که پارلمان آن را نمایندگی می‌کند. درواقع یکی از موازین مشروطه‌سازی پارلمان است و در کنار الزام‌هایی دیگری چون حقوق بشر و دموکراسی درونی پارلمان، با کمک نظارت قضایی

راه خودسری پارلمان و سوءاستفاده از دموکراسی اکثریتی را می‌بندد یا حداقل آن را ناهموار می‌کند. در این دیدگاه منفعت عمومی نه موجه‌ساز طرح‌های اجرایی بخش خصوصی که منطق هدایت‌گر قوانین است، از این رو، توجیه رعایت آن در مقدمه هر قانونی، ضرورت دارد. از آنجا که مفاهیم مشابه منفعت عمومی هر کدام متولی خود را دارند، برای مثال متولی منفعت ملی دستگاه دیپلماسی و متولی مصلحت نظام، مجمع (البته در ج.ا) است، منصرف از صلاحیت نظارتی، متولی منفعت عمومی پارلمان است و باید در تصویب هر قانون فقط و فقط در مقام تأمین و تثبیت منفعت عمومی باشد. راهکار رسیدگی به ادعای نقض منفعت عمومی توسط پارلمان، تشکیل دادگاهی با صلاحیت ابطال قوانین است. در این دادگاه قاضی با استناد به اصول کلی حاکم بر منفعت عمومی حکم می‌دهد، نه قوانین و نه حتی قانون اساسی. فرایند شناسایی اصول کلی جدید چیزی از جنس اساسی‌سازی حقوق است. به‌علاوه هیئت منصفه‌ای پرشمار می‌تواند به صورت مشاور در کنار دادگاه قرارگیرد تا سپهر عمومی را برای قضاوت بهتر شبیه‌سازی کند.

References

- پایگاه خبری نفت و انرژی. (۱۴۰۰). تعداد شاغلین وزارت نفت حدود ۲۰۵ هزار نفر است (تاریخ مشاهده ۱۴۰۳/۸/۱۱) در <https://naftonline.ir/news/25068/>
- پورعزت، علی‌اصغر، دمرچی‌لو، مریم و کیانی، پاکنوش. (۱۳۹۷). شاخص‌های مفهوم‌پردازی از اصطلاح «منفعت عمومی» براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، *مطالعات مدیریت دولتی/ایران*، ۱(۲)، ۱-۲۴.
- تقی‌زاده، جواد، نجابت‌خواه، مرتضی و فدایی، رضوان. (۱۳۹۵). صیانت از قانون اساسی توسط قضاوت محاکم با تأکید بر اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی. *مطالعات حقوقی*، ۸(۱)، ۱-۲۷. doi: 10.22099/jls.2016.3748

حسینی، سید حسین، ملکی، نرجس و کاظمی، سید محمد مهدی. (۱۴۰۴). فاصله‌گیری از اصول کلی حقوق کیفری در قوانین خاص؛ مطالعه تبصره ماده ۷ قانون آمران به معروف و ناهیان از منکر. *مطالعات حقوقی*، ۱۷(۲)، ۴۹۹-۵۳۲. doi: 10.22099/jls.2024.50546.5179

حسینی، سیده‌ام‌البین. (۱۴۰۱). «دعوی مبتنی بر منفعت عمومی» و نقش آن در مبارزه با فساد اقتصادی، مطالعه تطبیقی حقوق ایران، آمریکا و انگلیس، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۹(۳)، ۹۵-۱۳۰. Doi: 10.22091/csiw.2021.7503.2171

رحمتی‌فر، سمانه. (۱۴۰۳). نظریه عدالت سعدی. *مطالعات حقوقی*، ۱۶(۲)، ۱۹۱-۲۲۸. doi: 10.22099/jls.2024.44895.4821

رحمتی‌فر، سمانه. (۱۴۰۰). مقایسه تطبیقی نظام حقوقی حاکم بر احزاب در جمهوری اسلامی ایران و آلمان: سنجش منزلت حقوقی سپهر عمومی. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۸(۲)، ۱۲۹-۱۵۴. doi: 10.22091/csiw.2021.5980.1907

رحمتی‌فر، سمانه. (۱۴۰۱). حق حق داشتن: بازخوانی مفهوم شهروندی (شناسایی عوامل محرومیت از حق در ایران). *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، doi: 10.52547/jlr.2022.228777.2312

رحمتی‌فر، سمانه. (۱۴۰۲). از مصونیت پارلمانی تا نظارت بر رفتار نمایندگان: مقایسه تطبیقی مجلس ایران و پارلمان اروپا. *دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی*، ۱۰(۱)، doi: 10.22096/law.2023.538230.1932

زندیه، سمیه و صرافی، مظفر. (۱۴۰۲). تحلیل انگاره منفعت عمومی در برنامه‌ریزی با روش ردیابی نقشه‌نگارانه بررسی موردی یک برنامه تغییر کاربری زمین در چمستان، نامه معماری و شهرسازی، ۱۵(۳۹)، ۲۹-۵۳. Doi: 10.30480/aup.2022.4475.1974

سوئدبرگ، ریچارد. (۱۳۹۷). منفعت، صورتبندی مفهوم منفعت از منظرهای جامعه-شناسی، اقتصاد و سیاست، ترجمه حمزه نوزدی و علیرضا اسکندری‌نژاد، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.

سیدکاظم سیدباقری. (۱۳۸۸). فقه سیاسی شیعه، سازوکارهای تحول در دوران معاصر، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

شوشتری، مهدی، ناصری مقدم، حسین و صابری، حسین. (۱۳۹۵). مقاصد انسانی شریعت در فقه امامیه. *انسان پژوهی دینی*، ۱۳(۳۵)، ۲۰۵-۲۲۲.

Doi: 10.22034/Ra.2016.21965

کمالی‌زاده، محمد. (۱۳۹۵). دیوان‌سالاری کارآمد از منظر نهادگرایی، پژوهش سیاست نظری، ۲۰(۱۱)، ۱-۱۰.

منصوریان، ناصر علی و شبیانی، عادل. (۱۴۰۱). مفهوم منفعت عمومی و جایگاه آن در قانونگذاری ایران. *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی*، ۲۱(۷۵)، ۱۱۷-۱۴۲.

Bentham, J. (2000). *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation*, Kitchener: Batoche Books.

Blauvelt, A. (1915). The Public Insurable Interest, *Journal of Political Economy*, 23(6), 599- 611, Doi: 10.1086/252680

Boot, E. (2022). Public Interest, (date of observation 11/1/2024), in <https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190228637.013.2044>.

Boot, E. (2020). The Feasibility of a Public Interest Defense for Whistleblowing, *Law and Philos*, 39, 1–34. Doi: 10.1007/s10982-019-09359-1

Chettiparamb, A. (2016). Articulating ‘Public Interest’ Through Complexity Theory. *Environment and Planning C: Government and Policy*, 34(7), 1284-1305. Doi: 10.1177/0263774X15610580.

Dadashpoor, H, and Sheydayia, A. (2021). Defining Public Interest in Planning: a Review, *Journal of Planning Literature*, 36(4), 543-561. Doi: 10.1177/08854122211018379

Dhliwayo, M. (2013). *Public Interest Litigation as an Empowerment Tool: The Case of the Chiadzwa Community Development Trust and Diamond Mining in Zimbabwe*, London: International Institute For Environment and Development.

Glazer, N. (2007). Realizing The Public Interest: Reflections on an Elusive Goal, *Daedalus*, 136(4), 30–36. Doi: 10.1162/daed.2007.136.4.30.

Gutmann, A, and Dennis T (2013). Valuing Compromise for the Common Good. *Daedalus*, 142(2), 185–198. Doi: 10.1162/DAED_a_00212.

Haas, M. (2019). *Why Democracies Flounder And Fail Remediating Mass Society Politics*, London: Palgrave Macmillan.

- hosseini, S. H. , Maleki, N. and Kazemi, M. M. (2025). Distancing from the General Principles of Criminal Law in Specific Laws: A Case Study of the Note on Article 7 of the Law on Protection of “Amr bil Ma’ruf wa Nahy anil Munkar”. *Journal of Legal Studies*, 17(2), 499-532. doi: 10.22099/jls.2024.50546.5179 [In Persian]
- Hoseini, S. O. (2022). “Public Interest Litigation” and Its Role in Fighting Economic Corruption (A Comparative Study of the Iranian, American and English Law). *Comparative Studies on Islamic and Western Law*, 9(3), 95-130. doi: 10.22091/csiw.2021.7503.2171 [In Persian]
- ICAEW. (2018). *Acting In The Public Interest: A Framework For Analysis*. London: Institute of Chartered Accountants in England and Wales.
- Innes, J E, and Booher, D E. (2015). A Turning Point For Planning Theory? Overcoming Dividing Discourses. *Planning Theory*, 14(2), 195-213. Doi: 10.1177/1473095213519356
- Kaganovska, T E and Pakhomova, I A and Neviadovskyi, V O and Yefremov, A O. (2022). Public Interest as a Category of Administrative and Legal Science. *Ius Humani. Law Journal*, 11(1), 1-14. <https://doi.org/10.31207/Ih.V11i1.292>.
- Kamalizadeh, M. (2016). Efficient Bureaucracy in Institutional Approach, *Research in Theoretical Politics*, 11(20), 1-10. [In Persian]
- Kivotidis, D. (2023). “Public Interest or Social Need? Reflections on The Pandemic, Technology and the Law Chapter”, *Law, Humanities and The COVID Crisis Book*, Carl F. Stychin, London: University of London Press.
- Mansurian, N A, and Sheybani, A. (2023). The Concept of Public Interest and Its Place In The Legislation of Iran, *The Quarterly Journal of Judicial Law Views*, 21(75), 117-142. [In Persian]
- Morrison, D. (2013). “The Common Good”, *The Cambridge Companion To Aristotle’s Politics*. *Cambridge Companions To Philosophy*, Marguerite Deslauriers, Pierre Destrée, Cambridge: Cambridge University Press, 176-198.
- Naftonline. (2021) .The Number of Employees at the Ministry of Petroleum Is about 205,000. (accessed 1-11-2024) at <https://naftonline.ir/news/25068/>. [In Persian]
- Oxford Reference, National Interest, (date of observation 11/1/2024), in <https://www.oxfordreference.com/display/10.1093/Oi/Authority.20110803100224268>
- Pourezzat, A. A., Damerchiloo, M., and Kyani, P. (2018). Indicators of Conceptualization of Public Interest According to the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Iranian Public Administration Studies*, 1(2), 1-24. [In Persian]

- Rahmatifar, S. (2021). A Comparative Study on the Law Governing Political Parties in the Islamic Republic of Iran and Germany: Assessment on Legal Status of the Public Sphere. *Comparative Studies on Islamic and Western Law*, 8(2), 129-154. doi: 10.22091/csiw.2021.5980.1907 [In Persian]
- Rahmatifar, S. (2022). The right to have rights: Rereading the concept of citizenship (Identifying the factors of deprivation of rights in Iran). *Legal Research Quarterly*, (upcoming). doi: 10.52547/jlr.2022.228777.2312 [In Persian]
- Rahmatifar, S. (2023). From Parliamentary Immunity to Monitoring the Conduct of MPs (Comparative Study on the Majles and the European Parliament). *Journal of Comparative Law*, 10(1), 195-218. doi: 10.22096/law.2023.538230.1932 [In Persian]
- Rahmatifar, S. (2024). Theory of Justice in Sa'di's Works. *Journal of Legal Studies*, 16(2), 191-228. doi: 10.22099/jls.2024.44895.4821 [In Persian]
- Sandercock, L., and Dovey, K. (2002). Pleasure, Politics, and The "Public Interest": Melbourne's Riverscape Revitalization, *Journal of The American Planning Association*, 68(2), 151-164. Doi: 10.1080/01944360208976262
- Seyed Baqeri, S.K., *Mechanisms of Development in Shiite Political Fegh, Case Study: Contemporary Period*, Tehran: Sazman Entesharat Pajooreshgah Farhang va Andishe Eslami. [In Persian]
- Sheydayia, A, and Dadashpoor H. (2022). The Public Interest- Schools of Thought in Planning, *Progress in Planning*, 165(1), 1-19. Doi: 10.1016/j.progress.2022.100647.
- Short, J L. (2023). In Search Of The Public Interest, *Yale Journal on Regulation*, 40(759).
- shoshtari, M, Naserimoqaddam, H, and Saberi, H. (2016). Humanistic Objectives of Divine Law in Imamiyah Feqh. *Religious Anthropology*, 13(35), 205-222. doi: 10.22034/ra.2016.21965. [In Persian]
- Swedberg, R. (2018). *Benefit, Formulation of The Concept of Benefit from the Perspectives of Sociology, Economics and Politics*, translated by Hamzeh Nozari and Alireza Eskandarinejad, Tehran: Donya-ye-Eqtesad. [In Persian]
- Taghizadeh, J. , Nejabatkhah, M. and Fadaee, R. (2016). Preservation of Constitution by Judges of Courts with Emphasis on Article 170 of the Constitution. *Journal of Legal Studies*, 8(1), 1-27. doi: 10.22099/jls.2016.3748 [In Persian]
- The Britannica Dictionary (date of observation 11/1/2024), in <https://www.britannica.com/dictionary/special-interest>.
- Thorley, J (2004). *Athenian Democracy*, Oxfordshire: Routledge.

- Tomlinson, J. (2019). *Justice in The Digital State: Assessing The Next Revolution in Administrative Justice*, Bristol: Bristol University Press.
- Tweed, J, and Wallace, L M. (2020). Guardians of Public Interest: The Expectation and Experience of Non-Executive Directors in National Health Service Commissioning Boards in England. *Journal of Health Organization and Management*, 35(1). 53–67. 10.1108/JHOM-10-2019-0306.
- Wight, M. (2023). Interests of States, (date of observation 11/1/2024), in <https://doi.org/10.1093/oso/9780192867889.003.0012>
- Zandieh, S, and Sarrafi, M. (2023). An Analysis of the Notion of Public Interest in Planning through a Cartographic Methodology of Tracing A Land-Use Conversion Plan in Chamestan as a Case Study. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 15(39), 29-53. Doi: 10.30480/aup.2022.4475.1974. [In Persian]

Documents

- Basic Law for the Federal Republic of Germany* (as amended July 2002), 23 May 1949.
- Spanish Constitution, 1978* (rev. 2011).
- Constitution of the Italian Republic*, 22 December 1947, as amended.
- Constitution of the Portuguese Republic*, 25 April 1976, as amended.
- Constitution of the Republic of the Philippines*, 2 February 1987.
- UN Security Council (23 August 2004). *The Rule of Law and Transitional Justice in Conflict and Post-Conflict Societies: Report of The Secretary-General*, S/2004/616.